

انتخابات- یکی از شیوه های مشارکت سیاسی

سه گانه
ثروت
قدرت
دانش



قدرت

قانون



ظهور
شبکه
های
مجازی

رسانه های جمعی

درس ششم قدرت اجتماعی



یکی از موضوعات رایج درس انشا چه بود؟

پرسش «علم بهتر است یا ثروت» زمانی یکی از موضوعات رایج درس انشا بود. آیا می دانید معمولاً چه پاسخی به این پرسش داده می شد؟ چرا چنین پرسشی زمانی پررنگ می شود و گاهی کم رنگ؟ شما چه پاسخی به این پرسش می دهید؟

انسان همواره چه عواملی را پیش نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می داند؟

انسان، همواره سه گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزش های واسطه ای و پیش نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می داند. از این رو هر سه آنها را خوب و خیر قلمداد می کرد، ولی وقتی عملکرد آنها را در دستیابی به سعادت با یکدیگر مقایسه می کرد معمولاً دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری یا خنثی (نه تماماً خوب و نه تماماً بد) و قدرت را بیشتر منفی (بد و شر) ارزش گذاری می کرد. این نگاه به خوبی در دو حکایت زیر از عطار نیشابوری و سعدی شیرازی بیان شده است.

«ابراهیم ادهم حاکم بلخ بود. یک شب روی تختش خوابیده بود که صدای پایی از سقف کاخش شنید. ابراهیم پرسید: چه کسی جرئت کرده که روی سقف قصر من راه برود؟ کسی پاسخ داد: شتری گم کرده ام روی این بام

۱- شنیده اید که می گویند «فلانی واسطه خیر شده است؟» یعنی او با عمل خود، واسطه عمل خوب دیگری شده است. واسطه

منظور از ارزش واسطه ای چیست؟

منظور از ارزش غایی چیست؟

خیر، خودش نیز خیر است. منظور از ارزش غایی چیست؟ خیر، خودش نیز خیر است. منظور از ارزش غایی چیست؟ آدم و عالم، بیهوده و عبث خلق نشدند. خلقت آنها هدف و غایتی دارد. رسیدن به این غایت، همان سعادت و کمال انسان است که از آن به ارزش غایی تعبیر می شود. به هر چیزی که مقدمه و راه رسیدن به ارزش غایی باشد، ارزش واسطه ای گفته می شود به این معنا که ارزش خود را از ارزش غایی می گیرد. وقتی ارزش غایی انکار می شود ارزش های واسطه ای نیز فاقد معنا و ارزش می شوند.

چه زمانی ارزش های واسطه ای فاقد معنا و ارزش می شود؟

سعدی شیرازی در کتاب گلستان چگونه میان قدرت، ثروت و دانش داوری می کند؟ مصداق بیاورید

به دنبالش می‌گردم! ابراهیم گفت: ای نادان! چرا روی بام به دنبال شترت می‌گردی؟ پاسخ شنید: ای غافل! تو چرا روی تخت پادشاهی به دنبال خدا می‌گردی؟»

«دو امیرزاده در مصر بودند. یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت. عاقبت آن یکی علامه عصر گشت و این یکی عزیز مصر شد. پس این توانگر به چشم حقارت در عالم نظر کردی و گفتی: من به سلطنت رسیدم و این همچنان در مسکنت بمانده است. گفت: ای برادر! شکر، نعمت باری عزّ اسمه همچنان افزون تر است بر من که من میراث پیغمبران یافته‌ام؛ یعنی علم و تو را میراث فرعون و هامان رسید؛ یعنی ملک مصر.»

کجا خود شکر این نعمت گزارم که زور مردم آزار می‌ندارم

چرا در دوران اخیر، داوری اخلاقی در مورد سه گانه قدرت، ثروت و دانش کنار گذاشته شد؟

اما در دوره اخیر و در جهان اجتماعی مدرن، برخی مدعی شدند که همین ارزیابی‌های اخلاقی و نگاه‌های واسطه‌ای به قدرت و ثروت، دست و پاگیر بوده و مانع توسعه و پیشرفت آنها شده است؛ لذا بعد از آن بود که داوری اخلاقی درباره قدرت و ثروت نادیده گرفته شد تا با توسعه و گسترش آنها زمینه آسایش و آرامش دنیوی بشر بیشتر فراهم شود. در این زمان، دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود و در خدمت همین هدف به کار گرفته شد. اما دیری نپایید که در کنار نتایج خیره‌کننده و شگرف توسعه قدرت، ثروت و دانش، پیامدهای دیگری مانند فقر، نابرابری، بی‌عدالتی، سرکوب، جنگ، تخریب طبیعت و... نیز آشکار شدند. آشکار شدن این نتایج و

پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند آنها، جنبش‌های اجتماعی و واکنش‌های شدیدی را نیز برانگیخت.

در دوران اخیر، نخستین واکنش شدید به کدام سه گانه قدرت، ثروت و دانش صورت گرفت؟ ثروت دیگر نه یک امر خاکستری و خنثی (نه

خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلم‌ها و شرارت‌ها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد. آیا شما از هویت،

تاریخ و جغرافیای این جنبش اجتماعی اطلاع دارید؟

چرا واکنش شدیدی در برابر دانش صورت گرفت و سرنوشت آن به چه انجامید؟ واکنش شدیدی در مقابل دانش، شکل گرفت و خوش‌بینی به آن نیز دچار تردید شد. تا پیش از این، منازعات

و اختلافات برسر قدرت و ثروت را به قضاوت دانش می‌سپردند، ولی از این به بعد دیگر خود دانش نیز مورد نزاع و کشمکش بود. یعنی دانش دیگر نه تنها راهنمای ما به سوی سعادت نبود، بلکه به همراه قدرت و ثروت رو به تاریکی و ظلمت می‌نهاد. آیا شما از هویت چنین واکنش‌هایی خبر دارید؟

حالا نه تنها قدرت بلکه ثروت و دانش نیز مورد شک و تردید جدی قرار گرفت. از این پس این پدیده‌ها برای

نشان داد؟

انسان هیچ‌گونه معنا و ارزش ذاتی ندارند و انسان صرفاً به لذت و منفعت مادی که قدرت، ثروت و دانش، بشر چگونه واکنش

تولید می‌کنند، دل خوش می‌کند. ولی از آنجا که انسان در برخورد با هر پدیده‌ای، دیر یا زود به معنا و ارزش آن

می‌اندیشد، نمی‌تواند صرفاً به لذت و منفعت مادی ناشی از قدرت، ثروت و دانش قانع باشد و به آن بسنده کند.

آیا تردید و واکنش نسبت به عوامل سه گانه ثروت، قدرت و دانش، محدود به دوره مدرن و جهان غرب است؟ (با اینکه این تصویر از قدرت، ثروت و دانش و این تجربه و سبک زندگی به زمینه (جغرافیا) و زمانه (تاریخ) خود

محدود نماند و تا به امروز به تمام نقاط دنیا تسری یافت، ولی این موقعیت، هرگز پایان راه بشر و اندیشه و تجربه او نبوده است و انسان‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع بشری، همواره درباره این مقوله‌ها می‌اندیشند.)

راستی شما چه تصویری از قدرت، ثروت و دانش دارید؟ شما چگونه قدرت را ارزیابی و داوری می‌کنید؟ به نظر شما راهی برای ارزیابی علمی و عقلانی قدرت وجود دارد؟

۱- چگونگی رفع اختلافات اجتماعی

مدرسه محل یادگیری **قانون، نظم و انضباط** است، ولی گاهی محل نزاع و کشمکش نیز می‌شود. به نظر شما اگر دانش‌آموزی در حیاط مدرسه از سوی دانش‌آموز دیگری مورد تهاجم واقع شود، باید چه کار کند؟

هم زیستی انسان‌ها و زندگی جمعی آنها، همواره چه مسائلی را پدید می‌آورد؟ با مثال توضیح دهید

انسان‌ها در این دنیا، با هم و به شکل گروهی و جمعی زندگی می‌کنند. هم‌زیستی انسان‌ها و زندگی جمعی آنها **همواره مسائل مشترکی پدید می‌آورد که باید با هم درباره آنها تصمیم بگیرند.** مثلاً مردم یک روستا، برای حمل و نقل محصولات روستا و کالاهای مورد نیاز اهالی یا برای تأمین آب کشاورزی و با امنیت روستا باید همه با هم چاره‌اندیشی کنند و تصمیم بگیرند.

افراد، گروه‌ها و جوامع انسانی به چه دلایلی از هم متفاوت‌اند؟

افراد، گروه‌ها و جوامع انسانی به دلایل متفاوت زیستی و طبیعی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی همواره متفاوت بوده‌اند. حتی در یک اجتماع کوچک انسانی نیز افراد و گروه‌ها با هم متفاوت‌اند. وقتی انسان‌ها جمعی زندگی می‌کنند، این تفاوت‌ها نیز می‌تواند باعث اختلاف‌ها و تضادهایی **چه عوامی، سیاست و عمل سیاسی را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد؟** در میان آنها شود. **تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک و رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که باهم زندگی می‌کنند، «سیاست» و «عمل سیاسی» را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد.** **هرچه در گذر زمان، جوامع پیچیده‌تر می‌شوند، سیاست نیز ضروری‌تر و البته پیچیده‌تر می‌شود.** با این احوال آیا زندگی اجتماعی بدون سیاست امکان‌پذیر است؟ **خیر**



■ گاهی بارندگی کم است و گاهی سیل آسا. باید کارهای جمعی و فعالیت‌های منظم انجام شود تا با سازماندهی نیروی بیشتری، سد و آب‌بند ساخته شود، قدرت باید آب‌ها را مهار کند. چنین بود رسالت نخستین امپراطوران چین و چنین بود لقب «یوی کبیر»: رام‌کننده آب‌ها.



■ کار عظیمی که فرعون‌های مصر انجام دادند، ساختن نهرها و زهکشی بزرگی بود که طغیان نیل را مهار می‌کرد و به صورت آبیاری منظمی در می‌آورد. برای به‌دست آوردن محصول بیشتر از مزارع حاصل‌خیز از فرعون (شاه) اطاعت می‌شد.

هر دو تصویر اشاره به پدید آمدن سیاست و عمل سیاسی در زندگی اجتماعی دارد

سیاست دو بُعد اصلی دارد، کدام یک از ابعاد آن امروزه به قانون کاهش یافته است؟ خرداد ۱۴۰۲

دو بُعد اصلی سیاست کدامند؟

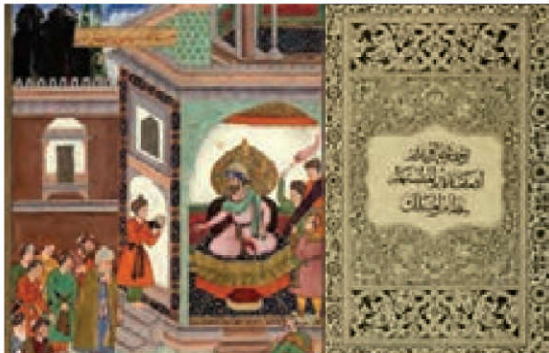
سیاست دو وجه یا بُعد اصلی دارد. ¹ یک بُعد آن تدبیر و تنظیم امور - که امروزه به قانون کاهش یافته - و بعد دیگر آن ² ضمانت اجرای قانون است که نیازمند قدرت می‌باشد. به عبارتی در پاسخ به این پرسش که (سیاست، قدرت است یا قانون؟) باید گفت هر دو. انتظار می‌رود که هر کس با اتکا به عقل، ایمان و تقوای خویش، قانون را رعایت کند، ولی برای اجرای قانون، باید از قدرت نیز استفاده کرد یا حداقل باید تهدید کرد که در صورت تخلف از قانون، از قدرت استفاده می‌شود. برخی مواقع، ترس از پاسبان و مأمور قانون، راننده را از سریع راندن باز می‌دارد و او را وادار می‌کند که سرعت مجاز و مطمئن را رعایت کند.

آیا سیاست، تدبیر امور، یا همان اداره کردن جامعه است؟ یا سیاست، سازوکار کسب قدرت، حفظ قدرت و افزایش آن است؟ قدرت وجه عینی و محسوس سیاست و جنبه الزام‌آور آن است، ولی در

گذشته، قدرت، مسئله اول و اصلی سیاست نبوده است. بلکه قدرت، وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت‌های اخلاقی قلمداد می‌شده است. البته این امر به این معنا نیست که همه حاکمان و قدرتمندان در عمل به چنین اندیشه و نگاهی پایبند بوده‌اند؛ بلکه منظور این است که تلقی عمده فرهنگ‌ها و جوامع بشری از سیاست و قدرت این گونه بود و البته سیاستمداران و قدرتمندان نیز حداقل در ظاهر، ناگزیر از توجه به چنین معنایی از سیاست و قدرت بودند. ³ راجع به سیاست‌نامه‌نویسی

و سیاست‌نامه‌ها که مجموعه نصیحت‌هایی برای ملوک و پادشاهان بود، شاهد این واقعیت است (در **در دوران اخیر، جهان مدرن، قدرت و سیاست را چگونه ارزیابی می‌کند؟**)

قرون اخیر و عمدتاً در اندیشه و عمل جهان مدرن، خود قدرت صرف‌نظر از اینکه وسیله تحقق اهداف و غایات اخلاقی باشد، مستقلاً دارای اهمیت شده است. به عبارتی، قدرت به مسئله اصلی سیاست و جوهر آن تبدیل شده است و در این میان، برخی همه سیاست را قدرت می‌دانند و برخی بخش عمده‌ای از آن را قدرت می‌پندارند. در این نگاه، سیاست با غایت و هدف سعادت و فضیلت، داوری شهریور ۱۴۰۲ نمی‌شود، بلکه بیشتر با آرمان بیروزی، موفقیت و تسلط ارزیابی می‌گردد.)



■ سیاست‌نامه یا سیرالملوک کتابی است به زبان فارسی در آیین کشورداری و فرمانروایی و اخلاق و سیاست که خواجه نظام‌الملک طوسی آن را نوشته است. برخی از عناوین فصول این کتاب عبارت‌اند از: اندر مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو، اندر پژوهش کردن کار دین و شریعت، اندر بخشیدن پادشاه بر خلق و هر کاری بر قاعده خویش و ...



■ سنگ‌نوشته داریوش در نقش رستم معروف به Dnb حاوی نکاتی درباره زمامدار و آیین شهریاری است با عبارتهایی این چنین: (اهورامزدا خرد را بر داریوش شاه فرو فرستاد) (نه مرا میل است که شخص ضعیف از طرف توانا به او بدی کرده شود) (آنچه راست است آن کام من است) (جنگاورم. باهوش و فرمان. خود را برتر از هراس می‌نگرم)

رواج سیاست‌نامه‌ها، شاهد این واقعیت است که در گذشته، قدرت مسئله اصلی سیاست نبود. بلکه قدرت، وسیله‌ای برای تحقق فضیلت‌های اخلاقی محسوب می‌شده است

تلقی جوامع گذشته و امروز را از قلمرو سیاست با هم مقایسه کنید. شهریور ۱۴۰۳

آیا قلمرو سیاست، محدوده حکومت و دولت است یا سیاست قلمرو عام تری دارد؟

آیا قلمرو سیاست، محدوده حکومت و دولت است یا سیاست، قلمرو عام تری دارد؟ (در گذشته و به صورت عادی، سیاست، محدوده حکومت و دولت به حساب می آمده است ولی امروزه این تلقی وجود ندارد و تمامی جامعه می تواند قلمرو سیاست باشد) سیاست با هیچ مقوله عینی و محسوسی مترادف نیست بلکه در کل جامعه و همه اجزای آن جاری است. البته این سخن به این معنا نیست که هر نگاه به جامعه و هر وجهی از جامعه، سیاسی باشد. پس چگونه می توانیم امور سیاسی و غیرسیاسی را از یکدیگر تشخیص دهیم؟ (هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت و یا با قدرت سروکار دارد، امر سیاسی به شمار می رود). (سیاست، مجموعه روش هایی است که هر واحد اجتماعی برای تحقق اهداف جمعی به شیوه کارآمد و مؤثر به کار می گیرد). قدرت، نیز ضمانت اجرای اینگونه کنش های جمعی است که نبود آن بقای جامعه را به مخاطره می اندازد.

امروزه در صورت فقدان قدرت، جامعه با چه خطراتی مواجه می شود؟

نمونه بیاورید

آیا می توانید نمونه هایی از کنش های سیاسی بیرون از نهاد حکومت و دولت را مثال بزنید؟ پیشنهاد می شود با راهنمایی دبیر خود در پدیده هایی مانند ورزش، تفریح، پوشش، هنر، واسطه ها، دلال ها، جشن ها، رسانه ها، شبکه های اجتماعی و ... تأمل کنید. می توانید در اخبار جاری یک ماه یا حتی یک سال کشور خودمان یا سایر جوامع جست و جو کنید و مصادیق چنین کنش هایی را پیدا کنید.

کنش های سیاسی، بیرون از نهاد حکومت و دولت هم انجام می شود. هر ۳ تصویر زیر، مصادیقی از کنش های سیاسی بیرون از نهاد حکومت و دولت است



■ محمدعلی کلی، بوکسور حرفه ای سنگین وزن آمریکایی بود که به عنوان یکی از مهم ترین شخصیت های ورزشی قرن بیستم شناخته می شود.



■ «ویکی لیکس» سازمانی غیرانتفاعی و بین المللی است. بنیانگذار آن یک فعال اینترنتی به نام جولین آسانژ است. تصمیم دولت انگلیس در تحویل او به آمریکا، توسط ویکی لیکس روزی سیاه برای آزادی رسانه ها و دموکراسی نام گرفت.



■ شورش علیه انقراض یک جنبش زیست محیطی جهانی است با هدف به کارگیری نافرمانی مدنی بدون خشونت.

شورش علیه انقراض چه نوع جنبش زیست محیطی است و هدف آن چیست؟

ویکی لیکس چه نوع سازمانی است و هدف آن چیست؟

یکی از مهم ترین شخصیت های ورزشی قرن بیستم، چه کسی بود و فعالیت های او در چه زمینه ای بود؟

۲- تغییرات قدرت در گذر زمان

قدرت اجتماعی چه زمانی پیدا می‌شود؟ شهریور 94 دی 96

دی ۱۴۰۰ قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود، بتواند بر اراده

دیگران اثر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. آنان که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، قدرت اجتماعی بیشتری دارند.

چگونه اراده فردی بر اراده دیگری اعمال می‌شود؟ تمکین و پیروی چگونه شکل می‌گیرد؟ آیا تهدید به تنبیه بدنی، پاداش نقدی، تشویق یا عامل قوی‌تری موجب می‌شود که شخص یا اشخاصی از خواست خود چشم‌پوشند و تن به خواست دیگری دهند؟ چگونه بعضی فرمان

می‌دهند و چه چیز موجب فرمان‌بری دیگران می‌شود؟

از گذشته تا کنون ابزارهای اعمال قدرت چه تغییراتی کرده است؟ شهریور 1402 (از گذشته تاکنون ابزارهای اعمال قدرت تغییراتی کرده است. امروزه از ابزارهای تنبیهی (زور،

خشونت و...) کمتر از ابزارهای تشویقی (ثروت، درآمد، پاداش مالی و...) استفاده می‌شود و از

ابزارهای تشویقی نیز کمتر از ابزارهای اقماعی (فکر،

وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی چیست؟

آموزش، تبلیغ و...) استفاده می‌شود. (وجه مشترک

قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی این است که در هر

دو، پیروی‌کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود،

آگاهی دارد. در مورد نخست به دلیل اجبار و در

خرداد ۱۴۰۲ مورد دوم برای پاداش پیروی می‌کند. قدرت اقماعی

شهریور ۴۰۳ برخلاف این دو با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع

قدرت، اعمال می‌شود. در ترغیب، تبلیغ و آموزش

و تعهد اجتماعی، آنچه فرد، درست و حق و هنجار

می‌پندارد موجب تبعیت او از اراده و خواست دیگران

خرداد ۱۴۰۲ می‌شود. در قدرت اقماعی، تبعیت و پیروی نشانه کار

درست است. به گونه‌ای که پیروی‌کننده، در مواردی

متوجه تبعیت و پیروی خود نمی‌شود و به عبارتی

ایا قدرت اقماعی همواره از طریق درست و شایسته انجام می‌گیرد؟ برای پیروی، محاسبه سود و زیان خود را نمی‌کنند. در

مواردی اقناع از طریق درست و شایسته و در مواردی

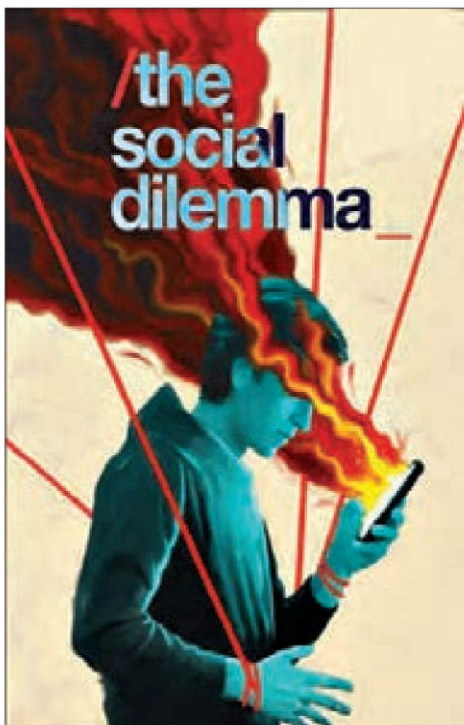
از مسیر نادرست و ناشایست شکل می‌گیرد.

امروزه قدرت تنبیهی در دست چه نهادی می‌باشد و چگونه اعمال می‌شود؟ (امروزه قدرت تنبیهی عمدتاً منحصر و متمرکز در

دست دولتهاست که از طریق قانون و پیمودن

مراحل قانونی اعمال می‌شود. از سویی انتظار می‌رود

تمرکز قدرت تنبیهی در دست دولت‌ها چه مزایایی دارد؟



■ مستند «معمای اجتماعی» محصول سال ۲۰۲۰ آمریکا است و ظهور رسانه‌های اجتماعی و آسیبی که به جامعه می‌زند را بررسی می‌کند و به نحوه بهره‌گیری این رسانه‌ها از کاربرانشان از طریق سیستم‌های نظارتی نظام سرمایه‌داری و استخراج اطلاعات آنها می‌پردازد. مستند فرای اثرات فردی به اثرات ویرانگر اجتماعی رسانه‌های اجتماعی نیز می‌پردازد.

افراد مطمئن شوند که از ناحیه هیچ فرد یا گروهی مورد ضرب و شتم و تنبیه قرار نمی گیرند و از سوی دیگر هیچ کس نباید به صورت خودسرانه به اعمال خشونت و تنبیه دیگران مبادرت کند. منظور از منابع و عوامل قدرت چیست؟ علاوه بر ابزارهای سه گانه اعمال قدرت باید از منابع و عوامل قدرت نیز یاد کرد. به این معنا که سه عامل، موجب دسترسی به قدرت می شود: شخصیت، مالکیت و سازمان. منابع و عوامل قدرت، در واقع ظرف ها و قالب هایی هستند که ابزار سه گانه قدرت، درون آنها شکل می گیرند و اعمال می شوند. [از منابع و عوامل قدرت، شخصیت را توضیح دهید

شخصیت خصلت های جسمانی (قد، هیکل و ...)، فکری، بیانی، اخلاقی، هوش، جاذبه یا دیگر در جوامع نخستین، قدرت بدنی منبع دستیابی به کدام نوع قدرت است؟ ویژگی های شخصیتی است که موجب دست یافتن به یک یا چند ابزار قدرت می شود. [در جوامع نخستین، قدرت بدنی منبع دستیابی به قدرت تنبیهی بود و هنوز هم در برخی از گروه ها برای مردان قوی هیکل و قوی پنجه، منبع قدرت است. [با این حال، در روزگار کنونی، شخصیت با قدرت اقناعی یعنی توانایی ترغیب یا ایجاد باور، نزدیکی بیشتری دارد.]



■ ارتباط میان شخصیت و قدرت تنبیهی تأثیر خود را بر نحوه نگرش و رفتار افراد همچنان خواهد داشت. ظاهراً رهبران بزرگ افسانه ای یا تاریخی چون هرکول و شارل دوگل بخشی از قدرت خود را رهین قدرت بدنی یا بلندی قامت خود بوده اند، از اینها به عنوان شخصیت های آمر و حاکم یاد می کنند. ناپلئون استثنائاً به خاطر جثه کوچکش معروف بود، امروزه نیز در مواردی گرایش به تمکین در برابر افراد قدبلند و تنومند وجود دارد.

از منابع و عوامل قدرت، مالکیت را توضیح دهید

مالکیت (ثروت و درآمد) وسیله جذب اطاعت دیگران است. ثروت، وجهه و شانی به فرد عامل قدرت می دهد که همان اراده و قاطعیت اوست و می تواند موجب اطاعت اقناعی دیگران شود؛ ولی مسلم است که مالکیت بیشتر با قدرت تشویقی قرابت دارد. [مالکیت با کدام یک از ابزار اعمال قدرت، قرابت بیشتری دارد؟

شخصیت
مالکیت
سازمان

منابع و عوامل قدرت

ابزارهای قدرت
ابزار تشویقی
ابزار اقناعی

دولت هم مانند مردم برای زندگی به پول احتیاج دارد و باید منابع مالی داشته باشد تا بتواند خدمات خود را انجام دهد و کشور را مجهز کند. از این رو تعیین منابع مالیات و مصادیق مصرف مالیات از دیرزمان وظیفه دولت‌ها بوده است. برخی مواقع ثروتمندترها مالیات نمی‌پردازند. بسیاری از ورزشکاران ثروتمند و مشهور و هنرپیشه‌های معروف سینما از مالیات معاف می‌شوند یا از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. طرفدارانشان نیز آنها را تشویق و حمایت می‌کنند؛ بدون آنکه متوجه باشند اگر این ستارگان، مالیات بپردازند، طرفداران آنها کمتر زیر فشار مالیات قرار خواهند گرفت.

پیوند میان افراد و گروه‌های سیاسی در سازمان؟ شهریور ۴۰۳ انسجام اجتماعی

مهمترین منبع قدرت در جوامع امروزی چیست؟ و به چه معناست؟

سازمان یعنی جمع کسانی که منافع، ارزش‌ها یا برداشت‌های مشترکی دارند. سازمان مهم‌ترین منبع قدرت در جوامع امروزی است. البته سازمان، هم پیوند میان افراد و گروه‌های انسانی مانند رابطه همکاران و هموطنان و هم‌کیشان را در برمی‌گیرد که از آن به «انسجام اجتماعی» یاد می‌شود و هم پیوند میان نقش‌ها، واحدها و ساختارهای اجتماعی مثل رابطه اقتصاد و سیاست یا علم و سیاست را شامل می‌شود که از آن به «یکپارچگی نظام» تعبیر می‌شود.

شهریور ۱۴۰۲

سازمان در درجه نخست با قدرت اقناعی خویشاوند است؛ به این معنا که اعمال قدرت اقناعی، نیازمند وجود سازمان است. لازمه سازمان، پذیرفتن هدف‌های سازمان توسط افراد و اعضای آن است. سازمانی که اعضای آن به‌طور یکپارچه، اهداف آن را قبول نداشته باشند و از آن صداهای مختلفی شنیده شود، نمی‌تواند اطاعت افراد بیرون از خود را تضمین کند. مثلاً اختلاف نظر شدید

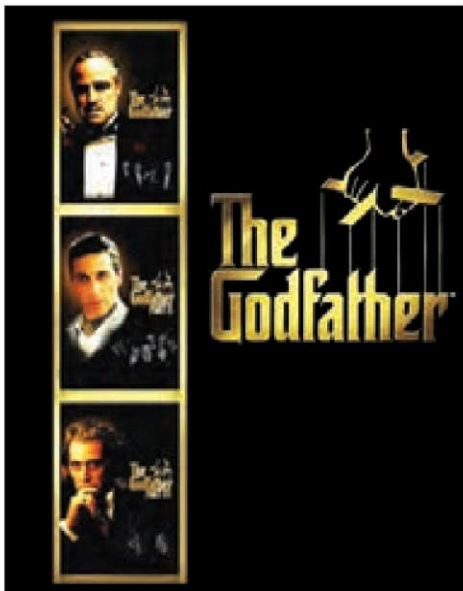
خرداد ۱۴۰۲

پزشکان می‌تواند مانع پیروی بیماران از دستورات پزشکان شود. به همین دلیل نظام پزشکی به شدت مانع چنین اختلاف نظرهایی می‌شود. جوامع خود بزرگ‌ترین و مؤثرترین سازمان‌ها هستند. جوامعی که اختلاف و چنددستگی در آنها پیدا شود، با چه خطری روبرو می‌شوند؟ جوامعی که اختلاف و چنددستگی در آنها پیدا شود، در مقابل رقیبان و دشمنانشان آسیب‌پذیر می‌شوند.

همانند ابزار اعمال قدرت (تنبیهی، تشویقی، اقناعی)، منابع و عوامل قدرت (شخصیت، مالکیت و سازمان) نیز در طول تاریخ، تغییراتی کرده‌اند. از اثرگذاری و تأثیر شخصیت (قد، هیکل، هوش، جاذبه، قدرت بیان و ...) تا حدود زیادی کاسته شده است و همین‌طور از سهم مالکیت نیز فروکاسته شده و در مقابل، نقش سازمان، افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که امروزه بیشترین قدرت‌ها درون سازمان‌ها متمرکز شده‌اند؛ مثلاً در شرکت‌های بزرگ از سهم مالکیت و نقش

امروزه بیشترین قدرت‌ها در کدام یک از منابع قدرت متمرکز شده است؟ با مثال

در شرکت های بزرگ با کاسته شدن سهم مالکیت و نقش سهامداران، بر نقش چه کسانی افزوده می شود؟ مدیران و مشاوران
 افزایش قدرت مدیران و مشاوران سازمانی به کدامیک از منابع قدرت مربوط می شود؟ سازمان



سهامداران کاسته شده و بر نقش مدیران و مشاوران افزوده شده است. این تغییرات به اندازه‌ای مهم بوده است که مالکیت و شخصیت به پشت گرمی سازمان، مؤثر واقع می شوند.

سه گانه فیلم پدرخوانده روایتی از یک آغاز و پایان است. از گرفتن و باختن قدرت. پدرخوانده، قدرتمند است، پسرخوانده، مایکل، تلاش می کند راه پدر را به روشی جدید ادامه دهد. او صاحب دانش نیز هست.

تکمیل کنید

آیا تاکنون پی برده‌اید که میان ابزارهای اعمال قدرت و منابع قدرت چه نوع همبستگی‌ای وجود دارد؟ جدول زیر را کامل کنید.

منابع یا عوامل قدرت	ابزار اعمال قدرت	مثال و نمونه	موارد نقض
شخصیت	تنبیهی	قدرت هرکول و شارل دوگل با قدرت بدنی بالا، یا قد بلند	گانندی
مالکیت	تشویقی	تشویق و حمایت از ورزشکاران و هنرپیشه های ثروتمند توسط طرفدارانشان	عدم حمایت اغلب مردم از ثروتمندان جامعه
سازمان	اقتناعی	پذیرش اهداف یک سازمان توسط اعضای آن و یکپارچگی میان آن ها	اختلاف و دو دستگی میان اعضای یک سازمان به دلیل عدم پذیرش اهداف آن سازمان

تشریح کنید

آیا میان مزایای مطرح شده در ورودی درس؛ یعنی سه گانه قدرت، ثروت و دانش با سه گانه منابع و سه گانه ابزار قدرت، ارتباطی وجود دارد؟ آیا میان قدرت و دانش رابطه‌ای وجود دارد؟ جدول زیر را تشریح کنید.

منابع یا عوامل قدرت	ابزار اعمال قدرت	ارزش های اجتماعی
شخصیت	تنبیهی	قدرت
مالکیت	تشویقی	ثروت
سازمان	اقتناعی	دانش

● شاید شنیده‌اید که برخی برای دعوت به مشارکت اجتماعی و سیاسی و نظارت بر کنشگران و واحدهای اجتماعی و سیاسی، می‌گویند تماشاگر (بی‌توجه و منفعل) نباشید. اما آیا واقعاً تماشاگران بدون قدرت‌اند؟ آیا تماشاگران بازی فوتبال، قضاوت و نظارت نمی‌کنند؟ آیا قضاوت و نظارت آنها بی‌اثر است؟ آیا رأی‌دهندگان قضاوت و نظارت نمی‌کنند؟ رأی‌دهندگان چگونه می‌توانند بر رفتار و اعمال کنشگران و نمایندگان سیاسی نظارت کنند؟ **مشارکت سیاسی چه پیامدی دارد؟**

● پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی موجب افزایش آگاهی سیاسی می‌شود. در جایی که مردم به هر دلیلی مشارکت‌کننده سیاسی نیستند، سطح آگاهی سیاسی آنها به مانند حالتی که مشارکت دارند، رشد و گسترش نخواهد داشت. **انتخابات** یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی است. در مواردی ممکن است به جای برگزاری انتخابات، قرعه‌کشی کنند، مثلاً در برخی از اجتماعات

مانند ساختمان‌های مسکونی و شرکت‌های اقتصادی به جای برگزاری انتخابات از قرعه‌کشی برای تعیین هیئت مدیره استفاده می‌کنند. به نظر شما چه تفاوتی میان انتخابات و قرعه‌کشی وجود دارد؟



۳- مطالعه علمی قدرت و سیاست

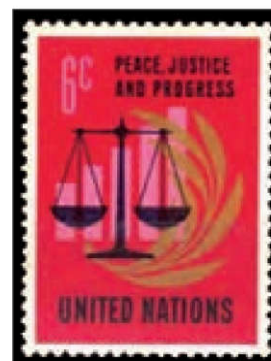
قدرت چگونه مفهومی است؟ سخن گفتن از چه ارزش‌هایی به ندرت بی‌طرفانه است؟
(قدرت مفهومی مسئله‌برانگیز و به شکل اجتناب‌ناپذیری، ارزشی است) سخن گفتن از قدرت

و سیاست به ندرت بی‌طرفانه است. کمتر واژه‌ای نظیر قدرت، با واکنشی بسیار تحسین‌آمیز یا نفرت‌انگیز روبه‌رو می‌شود. **معمولاً در نظر مردم، سیاستمدار چگونه فردی است؟** (برخی مردم سیاستمدار را فردی مقتدر و متنقد می‌شناسند و برخی فردی ستم‌پیشه و ریاکار. البته میزان زیادی از این واکنش‌ها به سوگیری خود افراد برمی‌گردد.) مردم قدرتی را که مانع فرار مالیاتی ثروتمندان می‌شود، تحسین می‌کنند، ولی همین دولت از سوی کسانی که تمایل به تخلف مالیاتی دارند، نکوهش می‌شود.

سابقه تاریخی اعمال تنبیهی قدرت، شهرت هراسناکی برای قدرت پدید آورده است. قدرت اقناعی بر بسیاری از اعمال قدرت‌ها، سرپوش می‌گذارد و آن را پنهان می‌کند که وقتی آشکار می‌شود، بسیار ناحق و ناروا به نظر می‌آید. با وجود این هیچ‌کدام از این موارد باعث نمی‌شود که قدرت، موضوع و پدیده‌ای نفرت‌انگیز قلمداد شود. **قدرت یک ضرورت اجتماعی است. در جامعه و زندگی اجتماعی، اعمال قدرت یا تبعیت برخی در برابر خواست و اراده دیگران اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن خیلی از کارها شدنی نیست.** **چرا همواره باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم؟** آشکار است که قدرت نامشروع، غیراخلاقی و غیرقانونی می‌تواند یک فساد و شر اجتماعی باشد؛ ولی خود قدرت به هیچ‌وجه امر شر و پلیدی نیست. از این‌رو، همواره باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم تا شرعی، اخلاقی و قانونی بودن آن را دریابیم. در عین حال همواره باید مراقب باشیم از مواجهه بدبینانه و زاهدانه با قدرت نیز خودداری کنیم. **هر کنش سیاسی به چه منظور انجام می‌شود؟ خرداد ۱۴۰۱ / خرداد ۱۴۰۲**

هر کنش سیاسی، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود یا با هدف حفظ آن. اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف، پیشگیری از تغییری است که وضعیت را «بدتر» می‌کند و هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف، ایجاد وضعیت «بهتر» است. پس تمامی کنش‌های سیاسی با دو مفهوم «بهتر» و «بدتر» هدایت می‌شوند. اما چگونه بهتر و بدتر را تشخیص می‌دهیم؟ **مهم‌ترین هدف ما در زندگی چیست؟** دستیابی به فضیلت‌های فردی و **سعادت همگانی** شهریور ۱۴۰۲ است. «فضیلت» و «سعادت» در «زندگی خوب» یا «جامعه خوب» به دست می‌آید. از این‌رو، فعالیت‌های سیاسی باید در جهت دسترسی به «جامعه خوب»، یعنی برای دستیابی به فضیلت و سعادت باشد. **چرا امور سیاسی پدیده‌های خنثی نیستند؟ شرح دهید. دی ۱۴۰۱** همواره مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان‌ها قرار می‌گیرند؛ یعنی امور سیاسی، پدیده‌هایی خنثی نیستند. به علاوه اینکه امور سیاسی همواره از انسان‌ها، اطاعت، وفاداری و تصمیم می‌خواهند. **ایا تشخیص دقیق خوب از بد امکان پذیر است؟ با مثال** شاید در عمل، تشخیص دقیق «خوب» از «بد» بسیار دشوار باشد، اما غیرممکن نیست. برای **مثال** آیا اگر نتوانیم تشخیص دهیم که کدام یک از دو کوهی که قله آنها پشت ابرها پنهان است، ارتفاع بیشتری دارد، بدین معناست که نمی‌توانیم تشخیص دهیم که کوه از تپه خاکی بلندتر است؟ آیا اگر نتوانیم درباره جنگ میان دو کشور همسایه قضاوت کنیم و بگوییم که کدام مقصر و کدام بی‌تقصیر است، نمی‌توانیم بگوییم که اشغالگری و تجاوز قابل قبول نیست؟ آیا باید دشواری خوب و بد را بهانه‌ای برای دست کشیدن از شناخت معتبر و علمی دانست و ادعا کرد که داوری عقلانی و علمی میان ارزش‌های سیاسی و به تبع آن، داوری درباره پدیده‌های سیاسی و قدرت غیرممکن است؟ **خیر**

چرا تمامی کنش‌های سیاسی با دو مفهوم بدتر و بهتر هدایت می‌شوند؟ خرداد ۴۰۳



■ اغلب جهان‌های اجتماعی رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. حمایت از مظلومان، دفاع از عدالت، آزادی و... از ارزش‌های حق‌اند.



■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.



■ روز بزرگداشت استقلال هند، تاریخی است که قانون اساسی هند به جای قوانین دولت استعماری انگلیس به اجرا در آمد. این روز محبوب‌ترین تعطیلات ملی هند است.

■ جامعه‌شناسی و مطالعه قدرت

(**ایا می توان نتایج مطالعه یک جامعه و فرهنگ را به همه جوامع تعمیم داد؟ توضیح دهید**)
 جامعه و فرهنگ‌ها همانند طبیعت نیستند و ما نمی‌توانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آورده‌ایم، به همه جوامع دیگر تعمیم بدهیم؛ مثلاً نمی‌توانیم نتایجی را

که از مطالعه جوامع غربی به دست می‌آوریم، به جوامع دیگر که با جهان غرب تفاوت دارند، تعمیم و تسری دهیم.)



■ ماکس وبر شهر را زیستگاهی که دارای قلعه و برج و بارو، بازار، دادگاه مستقل و ... است، تعریف می‌کند. اگر پژوهشگری از منظر وبر به مطالعه جوامع غیراروپایی بپردازد، به اشتباه این گونه نتیجه‌گیری خواهد کرد که شهر فقط در اروپا وجود داشته است. نمی‌توان نتایج حاصل از مطالعه جوامع غربی را به جوامع دیگر تعمیم داد

برای جلوگیری از اشتباه تعمیم نتایج مطالعه یک جامعه به همه جوامع، از چه روشی باید استفاده کرد؟

(برای پیشگیری از چنین اشتباهی، ناگزیر باید سایر جوامع و فرهنگ‌ها را نیز مطالعه و بررسی کنیم.) اما در اینجا هم امکان دارد، مرتکب خطای دیگری شویم؛ بدین صورت که در مطالعه سایر جوامع و فرهنگ‌ها، به معنای فرهنگی آنها توجه نکنیم و آنها را مثلاً از منظر غرب یا شرق مطالعه کنیم و معنای پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در آن فرهنگ‌ها را به درستی دریافت نکنیم. **برای پیشگیری از اشتباه "عدم توجه به معنای فرهنگی یک جامعه"، باید از چه روشی استفاده کرد؟** نمی‌توانیم برای جلوگیری از این خطا باید بکوشیم جوامع و فرهنگ‌های دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با رویکرد تفسیری به بررسی آنها بپردازیم. در این صورت با مشکل دیگری مواجه می‌شویم: **تعدد و تنوع فرهنگ‌ها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان‌ناپذیر و تمام‌نشده می‌سازد.** وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته‌اند، ببیند و بررسی کند،

چرا جامعه‌شناسان تبیینی، ارزش‌های سیاسی را قابل مطالعه نمی‌دانند؟ دی 99

امکان مقایسه و داورای فرهنگ‌ها و ارزش‌ها از دست می‌رود. **چرا جامعه‌شناسی تبیینی، قدرت را به عنوان یک پدیده مادی و فاقد معنا مطالعه می‌کند؟ خرداد 98** **جامعه‌شناسی تبیینی، با منحصر کردن علم به علوم تجربی که صرفاً موضوعات مادی و محسوس**

را مطالعه می‌کند، ارزش‌های انسانی از جمله ارزش‌های سیاسی را که تماماً مادی و محسوس نیستند، قابل مطالعه علمی نمی‌داند و ناگزیر با معنازدایی و ارزش‌زدایی از سیاست و قدرت و

فروکاستن آنها به پدیده‌های مادی و فاقد معنا، از شناخت واقعی آنها باز می‌ماند.

جامعه‌شناسی تفسیری، سیاست و قدرت را پدیده‌های معنا دار و ارزشی می‌داند، اما صرفاً به **جامعه‌شناسی تفسیری، سیاست و قدرت را چگونه مطالعه می‌کند؟ شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۱**

توصیف ارزش‌های سیاسی مختلف بسنده می‌کند و نمی‌تواند برای مقایسه آنها با یکدیگر و تشخیص درست از غلط یا خوب از بد، ملاک و معیاری به دست آورد. علاوه بر این، سیاست و

قدرت، خارج از ذهن مردم و مستقل از ادراک آنها، وجوهی محسوس و واقعی دارد که رویکرد تفسیری به علت تمرکز بر ذهنیت‌ها، توان مطالعه و بررسی آن را نیز ندارد.

بنابراین رویکردهای تبیینی و تفسیری ملاک و معیاری برای داوری علمی درباره همه لایه‌های قدرت، سیاست و ارزش‌های سیاسی به دست نمی‌دهند. **چرا جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری محافظه‌کارند؟** خرداد ۹۹

معتقدند که این دو رویکرد محافظه‌کارند و نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می‌سازند. **جامعه‌شناسان انتقادی، یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش‌های اجتماعی، به ویژه در عرصه سیاست و قدرت را ضروری می‌دانند و دست شستن از این آرمان بزرگ را مرگ سیاست و بن بست زندگی انسان معرفی می‌کنند. در درس‌های آینده، باید دید جامعه‌شناسی انتقادی در این زمینه چه توفیقی به دست می‌آورد.**

دی ۱۴۰۱

جامعه‌شناسان انتقادی چه چیزی را مرگ سیاست و بن بست زندگی انسان معرفی میکنند؟ دی ۴۰۲

تفسیر کنید

«عمق و سطح سیاست و قدرت»

در سال‌های گذشته آموختید که می‌توان ارزش‌های اجتماعی را در سه قلمرو مطالعه کرد. پیدایش، قوام و دوام ارزش‌ها در دو قلمرو آرمانی و واقعی، محصول آگاهی، خواست و عمل مردم است، ولی در قلمرو حقیقی، ارزش‌ها، مستقل از خواست و تمایل افرادند. خوب بودن فضیلتی مانند «عدالت» و بد بودن رذیلتی مانند «ظلم» به خواست و تمایل هیچ فرد، گروه یا جامعه‌ای وابسته نیست، ولی عدالت تنها با آگاهی، اراده و عمل مردم در زندگی اجتماعی اجرا و محقق می‌شود. آیا علم و دانشی وجود دارد که ارزش‌ها را در قلمرو حقیقی شناسایی کند؟ جدول زیر ظرفیت رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی را در مطالعه ارزش‌های سیاسی در این سه قلمرو نشان می‌دهد. آن را تفسیر کنید.

رویکردهای جامعه‌شناختی			ارزش‌های سیاسی	ارزش‌ها
انتقادی	تفسیری	تبیینی		
؟	-	-	فضیلت و رذیلت‌های سیاسی	قلمرو حقیقی
+	+	-	معانی و تدابیر سیاسی، قوانین	قلمرو آرمانی
+	-	+	قدرت	قلمرو واقعی

جدول زیر دو نوع نظام سیاسی لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی را با هم مقایسه می کند. محورهای مقایسه آن به شرح زیر از جدول فعالیت قبلی استخراج شده اند.

- مشارکت مردم: نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود چیست؟
- ارزیابی فعالیت و تصمیم مردم و حاکمان: فعالیت ها و تصمیم های مردم و حاکمان با چه ملاک هایی ارزیابی می شود؟
- تعامل نظام سیاسی و جهان اجتماعی: هر نظام سیاسی با کدام جهان اجتماعی سازگاری دارد؟
- تعامل علوم اجتماعی و نظام های سیاسی: ملاک ارزیابی فعالیت ها و تصمیم های مردم و حاکمان را کدام علم اجتماعی کشف می کند؟

مقایسه کنید

جمهوری اسلامی	لیبرال دموکراسی
<p>دو واژه "جمهوری" و "اسلامی" به چه معناست؟</p> <p>- در این ترکیب، جمهوری به این معناست که مردم خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند و اسلامی نشانگر این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی براساس عقاید و ارزش های اسلامی سازمان می یابد.</p> <p>قوانین و مقررات در نظام جمهوری اسلامی چگونه وضع می شوند؟</p> <p>(- قوانین و مقررات آن با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می گردند.)</p> <p>در جدول زیر نظام سیاسی جمهوری اسلامی و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی با هم مقایسه شده اند، با توجه به ویژگی ها آن را کامل کنید. خرداد ۱۴۰۲</p> <p>- نظام سیاسی سازگار با فرهنگ توحیدی که در جهان اسلام مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.</p>	<p>لیبرال دموکراسی به چه معناست؟</p> <p>- لیبرالیسم به معنای مجاز دانستن همه امور برای انسان و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است.</p> <p>در نظام دموکراسی چرا نمی توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت؟ حکومت لیبرال دموکراسی چگونه شکل می گیرد و با کدام نظام سازگار است؟</p> <p>(- با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی شناسد.)</p> <p>فرهنگ سکولاریسم (خرداد ۴۰۲)</p> <p>- نظام سیاسی سازگار با فرهنگ جهان غرب که رویکردی سکولار و دنیوی به جهان هستی دارد.</p>

مقایسه کنید	
جمهوری اسلامی	لیبرال دموکراسی
<p>- ارزش‌های سیاسی و قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته و معین می‌شوند. مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آنها را به عهده دارند.</p>	<p>- در این نظام آزادی مهم‌ترین ارزش اجتماعی است و ثبات، رفاه و سلطه بر طبیعت از دیگر ارزش‌های مهم آن به شمار می‌روند.</p>
<p>در جدول زیر نظام سیاسی جمهوری اسلامی و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی با هم مقایسه شده اند، با توجه به ویژگی‌ها آن را کامل کنید. خرداد ۱۴۰۲</p> <p>- در این نظام می‌توان از <u>مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت.</u></p>	<p>در این نظام فقط می‌توان از <u>مقبولیت قدرت حرف زد و نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.</u></p>

مهم‌ترین ارزش در نظام لیبرال دموکراسی چیست و ارزش‌های مهم را نام ببرید

خرداد ۱۴۰۲

می‌توان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت. (دموکراسی) خرداد ۴۰۲

مباحثه کنید

زندگی اجتماعی انسان‌ها به‌ویژه در عرصه سیاسی، عرصه انتخاب دمامم ارزش‌هاست. به نظر شما دست شستن از داوری علمی و عقلانی درباره ارزش‌های اجتماعی و سیاسی چه نتایجی به دنبال خواهد داشت؟